

آبروی مؤمن

علی اکبر مؤمنی

لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً^۱

خدا افشای بدی‌های دیگران را دوست ندارد، جز برای کسی که مورد ستم قرار گرفته‌است [که بر ستم‌دیده برای دفع ستم، افشای بدی‌های ستم‌کار جایز است] و خدا شنوا و داناست.

تفسیر آیه

منظور از کلمه «سوء» هرگونه بدی و زشتی است و منظور از «الجهر بالسوء من القول» هرگونه ابراز و اظهار لفظی است؛ خواه به صورت شکایت باشد یا حکایت، نفرین باشد، یا مذمت، و غیبت. به همین دلیل از جمله آیاتی که در بحث تحریم «غیبت» به آن استدلال شده، همین آیه است، ولی مفهوم آیه منحصر به غیبت نیست و هر نوع بدگویی را شامل می‌شود.^۲

آیه شریفه هر سخنی که موجب ناراحتی و هتک حرمت مؤمن شود، مانند: دشنام دادن، تهمت زدن و غیبت کردن را ممنوع و موجب خشم خدا دانسته است. شخصیت مؤمن همانند جان و مال او در امان است؛ از این‌رو، خداوند اجازه نمی‌دهد کسی در باره مؤمن بدگویی کند.

هر انسانی معمولاً نقاط ضعف پنهانی دارد که اگر بنا شود این عیوب اظهار گردد، روح بدینی بر سراسر جامعه سایه می‌افکند، و همکاری افراد جامعه را با یک‌دیگر مشکل می‌سازد؛ از این‌رو، خداوند که خود «ستار العیوب» است، دوست ندارد افراد بشر پرده‌داری کنند و عیوب مردم را فاش سازند و آبروی آنها را ببرند.

۱. نساء، ۱۴۸.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۸۴.

در ادامه آیه خداوند ستم‌دیده را استثنا کرده، می‌فرماید: «مگر کسی که مظلوم واقع شده» (إِلَّا مَنْ ظَلِمَ). چنین افرادی برای دفاع از خویشان در برابر ظلمِ ظالم حق دارند اقدام به شکایت کنند و یا از مظلوم و ستم‌گری‌ها آشکارا مذمت و انتقاد و غیبت نمایند و تا حق خود را نگیرند و دفع ستم ننمایند از پای نشینند.

در حقیقت ذکر این استثنا برای آن است که حکم اخلاقی فوق مورد سوء استفاده ظالمان و ستم‌گران واقع نشود. روشن است در این‌گونه موارد نیز تنها به آن قسمت که مربوط به ظلمِ ظالم و دفاع از مظلوم است، باید اکتفا کرد.

در پایان آیه برای این که افرادی از این استثنا نیز سوء استفاده نکنند و به بهانه این که مظلوم واقع شده‌اند، عیوب مردم را بدون جهت آشکار نسازند، می‌فرماید: «خداوند سخنان را می‌شنود و از نیت آگاه است».^۱

پیام‌های آیه

۱. افشای عیوب مردم، به هر شکل باشد حرام است (با شعر، طنز، تصریح، تلویح، حکایت، شکایت و ...).

۲. نشانه جامعه اسلامی آن است که مظلوم بتواند با آزادی کامل، علیه ظالم فریاد بزند.

۳. تنها مظلوم، اجازه غیبت از ظالم را دارد، آن هم در مورد ظلم او، نه عیوب دیگرش.

۴. در موارد جواز افشای عیوب، از مرز حق تجاوز نکنید، چون خداوند شنوا و داناست.^۲

۵. هتک حرمت و برملا ساختن عیب‌ها و نقایص مردم، حرام و موجب ناخشنودی خداوند است.

۶. ناخشنودی خداوند از سخنی که افشاکنده بدی‌ها و زشتی‌های دیگران باشد.^۳

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛^۴

کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت، و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید!

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۸۴.

۲. قرآنی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۴۲۱.

۳. هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، تفسیر راهنما، ج ۴، ص ۹۷.

۴. نور، ۱۹.

تفسیر آیه

فحش، فحشا و فاحشه در لغت به افعال یا گفتاری گفته می‌شود که قباحت و زشتی آنها بزرگ باشد.^۱ در قرآن مجید نیز گاهی در همین معنای وسیع استعمال شده است؛ مانند:

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ^۲؛

کسانی که از گناهان بزرگ و از اعمال زشت و قبیح اجتناب می‌کنند. از این رو، وسعت مفهوم آیه مورد نظر کاملاً روشن می‌شود؛ اما غالباً کلمه فاحشه یا فحشاء در قرآن مجید در موارد انحرافات جنسی و آلودگی‌های ناموسی به کار رفته است.^۳

انسان موجودی اجتماعی است و جامعه بزرگی که در آن زندگی می‌کند به منزله خانه اوست. از این رو، پاکي جامعه به پاکي او کمک می‌کند و آلودگی آن به آلودگی اش. در اسلام با هر کاری که فضای جامعه را آلوده کند به شدت مبارزه شده است. به همین دلیل در اسلام گناهانی مانند غیبت حرام شمرده شده و دستور عیب‌پوشی صادر شده تا گناه جنبه عمومی و همگانی پیدا نکند.

در روایتی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌خوانیم:

المذيع بالسيئة مخذول و المستتر بالسيئة مغفور له؛^۴

کسی که گناه را نشر دهد، مخذول و مطرود است و کسی که گناه را پنهان می‌کند، مشمول آمرزش الهی است.

اصولاً گناه همانند آتش است، هنگامی که در نقطه‌ای از جامعه این آتش روشن شود، باید سعی و تلاش کرد که آتش خاموش شود و یا دست کم محاصره گردد؛ اما اگر به آتش دامن زنیم و آن را از نقطه‌ای به نقطه دیگر ببریم، حریق همه جا را فرا خواهد گرفت و کسی قادر به کنترل آن نخواهد بود. افزون بر آن، عظمت گناه در نظر عموم مردم و حفظ ظاهر جامعه از آلودگی‌ها، خود سد بزرگی در برابر فساد است. اشاعه فحشا و نشر گناه و تجاهر به فسق این سد را می‌شکند، گناه را کوچک می‌کند، و آلودگی به آن را ساده می‌نماید.

۱. راغب، مفردات، ص ۶۲۶.

۲. شوری، ۳۷.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۰۴.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۲۸.

در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ می‌خوانیم:

من أذاع فاحشة كان كميثدئها؛^۱

کسی که کار زشتی را نشر دهد، همانند کسی است که آن را در آغاز انجام داده.

در حدیث دیگری نقل شده است که مردی خدمت امام موسی بن جعفر علیه السلام آمد و عرض کرد: فدایت شوم از یکی از برادران دینی کاری نقل کردند که من آن را ناخوش داشتم، از خودش پرسیدم انکار کرد در حالی که جمعی از افراد موثق این مطلب را از او نقل کرده‌اند! امام علیه السلام فرمود:

كذب سمعك و بصرک عن أخيك و أن شهد عندك خمسون قسامة و قال لك قول فصدقه و كذبهم، و لا تذيعن عليه شيئا تشينه به و تهدم به روته، فتكون من الذين قال الله عزوجل: «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۲

گوش و چشم خود را در مقابل برادر مسلمانان تکذیب کن، حتی اگر پنجاه نفر سوگند یاد کنند که او کاری کرده و او بگوید نکرده‌ام از او بپذیر و از آنها نپذیر، هرگز چیزی که مایه عیب و ننگ اوست و شخصیتش را از میان می‌برد در جامعه پخش مکن که از کسانی خواهی بود که خداوند درباره آنها فرموده: «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت»^۳.

پیام‌های آیه

۱. در میان گناهان، تنها گناهی که حتی دوست داشتن آن، گناه کبیره است، تهمت است.
۲. علاقه به ریختن آبروی دیگران، در همین دنیا کیفر دارد.
۳. کسانی که دنبال بی‌آبرو کردن دیگران هستند، نظام اسلامی باید آنها را تنبیه کند.

۱. همان، ص ۳۵۶.

۲. همان، ج ۸، ص ۱۴۷.

۳. رک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۰۵ - ۴۰۷.

فضائل اخلاقی: آبروی مؤمن / ۲۸۵

۴. چه بسا سرچشمه برخی از عذاب‌های دنیوی که نصیب ما می‌شود، علاقه ما به بی‌آبرو کردن دیگران است.
۵. اگر علاقه به شیوع فحشا این همه خطر دارد، خود اشاعه فحشا چه کیفی خواهد داشت؟^۱
۶. بازی با حیثیت مؤمنان و بدنام ساختن آنان، معصیتی بزرگ و دارای فرجامی سخت و دردناک در دنیا و آخرت است.
۷. علاقه و رضایت قلبی به اشاعه فحشا و افشای آنها - حتی بدون دست‌داشتن در این امر - ممنوع است.
۸. سیاست اسلام، مبتنی بر اهتمام به حفظ آبرو و حیثیت مؤمنان در جامعه است.
۹. انسان‌ها نسبت به پیامد و بازتاب شوم دنیوی و اخروی اشاعه فحشا در جامعه، آگاهی درست و کاملی ندارند.^۲

احترام به مؤمن از دیدگاه روایات

۱. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لا يعذب الله أهل قرية و فيها مائة من المؤمنين، لا يعذب الله أهل قرية و فيها خمسون من المؤمنين، لا يعذب الله أهل قرية و فيها عشرة من المؤمنين، لا يعذب الله أهل قرية و فيها خمسة من المؤمنين، لا يعذب الله أهل قرية و فيها رجل واحد من المؤمنين»؛^۳ خداوند قریه و شهری را که در آن صد نفر مؤمن باشند، عذاب نمی‌کند. خداوند قریه و شهری را که در آن ده نفر مؤمن باشند، عذاب نمی‌کند. خداوند قریه و شهری را که در آن پنج نفر مؤمن باشند، عذاب نمی‌کند (تا آن‌جا که فرمود): حتی اگر یک نفر هم مؤمن در یک آبادی زندگی کند خداوند اهل آن آبادی را عذاب نمی‌کند.
۲. روایت شده رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رو به کعبه کرد و فرمود: «مرحبا بالبيت ما أعظمك و أعظم حرمتك على الله و الله للمؤمن أعظم حرمة منك لأن الله حرم منك واحدة و من

۱. قرآنی، تفسیر نور، ج ۸، ص: ۱۶۰ و ۱۶۱.

۲. هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، تفسیر راهنما، ج ۱۲، ص ۱۵۹.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۷۱.

المؤمن ثلاثة ماله و دمه و أن يظنّ به ظنّ السوء»؛^۱ «مرحبا به تو ای خانه! چه قدر با عظمتی و چه قدر احترام داری! به خدا سوگند، که حرمت مؤمن نزد خدا از حرمت تو بیشتر است؛ زیرا خداوند نسبت به تو یک چیز را حرام کرده است، اما از مؤمن سه چیز را؛ خون، مال و بدگمانی به او را.

۳. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «من آذى مؤمناً فقد آذاني، و من آذاني فقد آذى الله عزوجلّ، و من آذى الله فهو ملعون في التوراة و الإنجيل و الزبور و الفرقان»؛^۲ هرکس مؤمنی را اذیت کند، مرا اذیت کرده است و هرکس مرا اذیت نماید، خداوند را اذیت داده است و هرکس خداوند را اذیت کند، در تورات، انجیل، زبور و فرقان ملعون می‌باشد.

۴. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «المؤمن أعظم حرمة من الكعبة»؛^۳ حرمت و اعتبار مؤمن از کعبه بیشتر است.

۵. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «الله عزوجلّ في بلاده خمس حرم، حرمة رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حرمة آل رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حرمة كتاب الله عزوجلّ و حرمة كعبة الله و حرمة المؤمن»؛^۴ خدای عزوجلّ در زمین برای پنج چیز حرمت و احترام قرار داده است؛ پیامبر، آل پیامبر، کتاب خدا، کعبه و مؤمن.

مراقبت از آبروی خویش

انسان پیش از آن که از دیگران انتظار داشته باشد که شخصیت و حقوق او را محترم بشمارند و در حفظ آبروی او کوشا باشند، باید خود از آبروی خویش مواظبت نماید. آبروی انسان محترم است، همان‌گونه که جان و مال او محترم است و کسی حق ندارد آبروی خود را به خطر بیندازد. از نگاه اسلام، انسان حق استفاده از جان، مال و آبروی خویش را دارد؛ اما حق ضایع کردن آنها را ندارد. و آبروی انسان نسبت به سایر داشته‌ها و نعمت‌های خدادادی مهم‌تر و ارزشمندتر است؛ از این‌رو، باید از آن مراقبت بیشتری شود. در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است:

۱. همان.

۲. همان، ج ۴، ص ۷۲.

۳. همان، ص ۷۱.

۴. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۰۷.

«...أعراضكم عليكم حرام - كحرمة يومكم هذا في شهركم هذا - في بلدكم هذا...»^۱ آبروهای شما حرمت دارد؛ همان‌گونه که عید قربان در ماه ذی‌الحجه و در سرزمین مکه حرمت دارد. هم‌چنین از امام صادق علیه السلام وارد شده که از رفتارها و گفتارهایی که شما را در معرض تهمت قرار می‌دهد، پرهیز نمایید: «اتقوا مواضع التهم»^۲ و نیز از آن حضرت نقل شده است: «من دخل موضعاً من مواضع التهمة فاتهم لا يلومن إلا نفسه»^۳ هرکس خود را در معرض تهمت قرار دهد، آن‌گاه مورد اتهام قرار گیرد، جز خود، کسی را ملامت ننماید.

پی‌گیری لغزش‌های دیگران ممنوع

معمولاً بیماردلان و اشخاص بی‌مقدار که توان رویارویی با افراد را ندارند، و فاقد منطق قوی هستند، لغزش‌های دیگران را پی‌گیری می‌کنند و دست به افشاگری می‌زنند و تلاش می‌کنند با ریختن آبروی دیگران، برای خود آبرو و اعتبار کسب نمایند؛ غافل از آن‌که خود را رسوا می‌کنند. رسول گرامی اسلام در این زمینه می‌فرماید:

لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَتَّبَعَ عَثْرَاتِ أَخِيهِ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ^۴

لغزش‌های برادران ایمانی خود را پی‌گیری نکنید، هرکس به دنبال لغزش‌های برادرش باشد؛ خدا لغزش‌های او را پی‌گیری می‌کند و خدا لغزش‌های هرکس را پی‌گیری کند، رسوایش می‌کند؛ هرچند در درون خانه‌اش باشد. برخی از افراد فاسد که در میان مردم آبرو و اعتباری ندارند، با اهداف شیطانی تلاش می‌کنند دیگران را مانند خود بی‌آبرو نمایند تا کارهای خویش را در نظر دیگران توجیه نمایند. امیر مؤمنان علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

ذُورُوا الْعُيُوبَ يَحْبُونَ إِشَاعَةَ مَعَايِبِ النَّاسِ لِيَتَسَعَ لَهُمُ الْعَذْرُ فِي مَعَايِبِهِمْ^۵

عناصر معیوب و منفور دوست دارند عیوب دیگران را فاش کنند تا در عیوب خویشتن راه عذر داشته باشند.

۱. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۵۵.

۲. امام جعفر صادق (ع)، مصباح الشریعه، ترجمه و شرح عبد الرزاق گیلان، ص ۲۵۲.

۳. صدوق، امالی، ص ۴۹۷.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۵۴.

۵. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح مصطفی درایتی، ص ۴۲۱.

آن حضرت این‌گونه افراد را که همواره به دنبال عیوب مردند، به مگس تشبیه نموده و فرموده:

الأشرار يتبعون مساوی الناس و یترون محاسنهم كما يتتبع الذباب
المواضع الفاسده؛^۱

افراد فاسد و شرور به دنبال کشف و پخش عیوب مردمند، و مانند مگس همواره به دنبال مواضع فاسد می‌گردند و هرگز زیبایی‌ها و محسنات را نمی‌بینند.

مقام معظم رهبری، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در باره افشای عیوب دیگران می‌فرماید:

به هرکسی ممکن است یک اتهامی وارد شود. تا وقتی که از طریق قانونی جرمی ثابت نشده است، نه در خود قوه، نه در بیرون قوه، نه در تربیون‌ها و منبرهای رسمی، نه در وسایل ارتباط جمعی، کسی حق ندارد آبروی یک مسلمان را ببرد... بعضی اوقات انسان می‌بیند روی قوه قضائیه فشار می‌آورند که آقا افشا کنید. نه آقا، هیچ لزومی ندارد افشا کردن. در موارد خاصی، بله، شارع مقدس مشخصاً و معیناً خواسته است که مردم مجازات را ببینند، یا مجازات‌شونده را بشناسند؛ اینها موارد خاصی است، مال همه‌جا نیست... چون وقتی گفتید: متهم است، افکار عمومی تفکیک نمی‌کند بین متهمی که هیچ گناهی نکرده است، با آن کسی که شواهدی بر گناه او وجود دارد. حتی بعد از اثبات جرم هم چه لزومی دارد؟ ... حتی اگر چنانچه فرض کنیم یک نفری جرمی هم کرده است، این جرم در دادگاه صالح اثبات هم شده است، این شخص به مجازات محکوم هم شده است - فرض کنید رفته زندان - چه لزومی دارد ما اسم او را در روزنامه‌ها منتشر کنیم تا بچه این آدم که دارد مدرسه می‌رود، دیگر رویش نشود مدرسه برود؟ چه اشکال دارد که این ملت زندانش را بگذرانند، بیاید بیرون، خودش و خانواده‌اش زندگی عادی‌شان را ادامه دهند؟ خب، جرمی کرد، مجازات شد، تمام شد دیگر. باید حتماً آبروریزی بشود؟ نخیر، کسی نباید این‌جور عمل کند... افکار عمومی از این مسئله چه لذتی می‌برد؟ برای افکار عمومی چه فایده‌ای دارد که بدانند زیدی، عمروی، بکری متهم به فلان عمل خلافی است؟^۲

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان قوه قضائیه، ۹۰/۴/۶.